



سید محمد موسوی مقدم*

چکیده

انس با قرآن یکی از برنامه‌های بااهمیت در فرهنگ اسلامی و جزء جدایی ناپذیر دین و ایمان است. حصول این امر ممکن نیست مگر این که انسان در گام نخست، انس با قرآن را یک ضرورت بداند و نیاز بدان را با همه وجود احساس نماید، در گام دوم، شرایط و زمینه‌های فکری آن را فراهم کند و قدم به قدم آن را به مرحله اجرا گذارد، و اگر در این مسیر با موانعی روبه‌رو شود با عزم و اراده راسخ آن را از میان بردارد.

واژگان کلیدی: انس با قرآن، زمینه‌ها، موانع.

اصولاً تحقق هر پدیده‌ای مستلزم وجود شرایط و زمینه مساعد آن پدیده است. ارتباط با قرآن و حصول انس با آن نیز مشمول این قاعده کلی است. از این رو می‌توان انس با قرآن و حصول آن را در صفحه قلب به کاشتن بذر و یا غرس نهال در زمین تشبیه کرد که اگر زمین مساعد نباشد بذر روئیده نمی‌شود و به فرض رویش، در اندک زمانی پژمرده و نابود می‌شود.

*عضو هیأت علمی پردیس قم دانشگاه تهران.

شرایط حصول انس با قرآن

مهم ترین شرایط انس با قرآن عبارتند از:

۱. شناخت عظمت قرآن: نخستین شرط برای حصول انس با قرآن و ایجاد زمینه برای ارتباط با این کتاب آسمانی، این است که انسان به عظمت و شکوه قرآن پی ببرد، و بداند که کلام الهی که تجلی ذات خداوندی است، در ذیل عنایت و لطف حضرت حق برای هدایت بندگانش از مراتب عالی «لدينا لعلی حکیم» (الزخرف، ۴/۴۳)، به مراحل دانی «نزل إلیهم» (النحل، ۴۴/۱۶)، تنزل یافته و در قالب حروف و اصوات بر بشر عرضه شده است.

۲. طهارت: طهارت از شرایط اساسی برای حصول انس با قرآن است؛ زیرا که فرمود: «لا یمسّه إلا المطهرون» (الواقعة، ۷۹/۵۶)؛ جز پاکان قرآن را مس نمی کنند. در این تطهیر لازم است که ذهن؛ از آلودگی اوهام و خطورات فاسد به دور ماند و اخلاق و عمل آدمی از هر رذیله ای مبرا باشد.

نقشی که قلب می تواند ایفا کند، نقش مرآتی است، بدین معنا که قلب به منزله آینه است برای انعکاس حقایق قرآن که با جلاء، صفا؛ نورانیت آن حاصل می شود.

به این نکته نیز باید توجه داشت که برای نشان دادن و نمایاندن حقایق تنها صفا و جلاء کافی نیست، بلکه رفع حجب و برداشتن موانع نیز لازم است، چرا که آینه هر چند خود مصفا باشد، اما ممکن است در غلاف و یا در پس پرده باشد؛ از این رو افزون بر زدودن رذایل اخلاقی و ناهنجاری های شهوانی که حجاب داخلی است و در تطهیر قلب برداشته می شود، حجاب های خارجی همچون ایستایی و حرکت نکردن برای شنیدن و فهم، عدم تفکر در آیات، وجود عقاید خرافی و باورهای غلط نیز باید از میان برداشته شود.

۳. ولایت: ایجاد ارتباط قلبی و معنوی با پیامبر (ص) و اهل بیتش (ع) و تبری از دشمنان آنان را ولایت گویند. این فهم با نفی هر گونه دشمنی و خصومت با اهل بیت (ع) و داشتن محبت و مودت نسبت به آنان حاصل می شود، چنان که امام باقر (ع) فرمود: «لا یطهر الله قلب عبد حتی یسلم لنا و یكون سلما لنا»، خداوند قلب هیچ بنده ای را پاک نمی کند، مگر این که با ما از در سازش وارد شده و در آشتی با ما باشد. امام صادق (ع) نیز فرمود: «ان الله جعل ولایتنا اهل البیت قطب القرآن»؛ خداوند ولایت ما اهل بیت را محور قرآن قرار داده است.

تعبیر به قطب ممکن است اشارت به این باشد که بدون محوریت و ولایت، قرآن قابل درک و فهم نیست، هر چند به صورت گسترده و انبوه به شرح الفاظ پردازد، چرا که وصول به حقیقت قرآن، علم المکسبة - علم حصولی و مدرسه ای - نیست، بلکه علم الموهبة و علم الوراثة - علم لدنی - است که تنها از طریق ولایت الله آن هم به اولیای خدا همچون پیامبر (ص)، امام و ولی عطا می شود.

۴. خشوع: از شرایط انس با قرآن، فروتنی، خضوع و خشوع - ادب جسمی و روحی - در برابر حقیقت قرآن است، قرآن خود در این باره می فرماید: «الْمُ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ» (الحديد، ۱۶/۵۷)؛ آیا وقت آن نرسیده است که دل های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده خاشع گردد؟ این در حالی است که خداوند می فرماید: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (الحشر، ۲۱/۵۹)؛ اگر ما این قرآن را بر کوه نازل کرده بودیم، مشاهده می کردی که کوه از ترس خدا خاشع و متلاشی می شد. یعنی اگر انسان در برابر قرآن خاشع، خاضع و پذیرای حق نباشد، درک و شعورش از آن کوه جامد و بی جان کمتر است.

۵. توفیق الهی: البته در کنار طهارت، ولایت و خشوع باید از ذات اقدس الهی توفیق انس با قرآن نیز طلب کرد، چنان که در ادعیه ختم قرآن نیز بدان اشارت شده است. و در دعای منسوب به امام زمان (عج) نیز می خوانیم: «اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و بعد المعصية»؛^۳ خدایا به ما توفیق طاعت و دوری از گناه روزی فرما.

یکی از نمودهای توفیق طاعت، عمل دستورات قرآن کریم و زدودن غبار مهجوریت از چهره آن است، و نمود دوری از توفیق طاعت، معصیت، خیانت به قرآن، بی اعتنائی و بی تفاوتی نسبت به آن است.

موانع حصول انس با قرآن

خدای سبحان در بیان موانع حصول انس با قرآن، اموری را برشمرده است که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. آلودگی محیط درون: برای درک حقایق قرآن کریم، سلامت عقل و جلاء و صفای قلب لازم است، و طبیعی است که این محیط درونی تنها با زدودن آلودگی های اخلاقی و

عملی ایجاد می شود. و آیه: «من خشی الرحمن بالغیب وجاء بقلب منیب» (ق، ۳۳/۵۰)؛ کسی که از خدا در نهان بترسد و با قلبی بازگردنده [از گناه] به سوی او رود، به آن اشاره دارد.

۲. کبر و خودبزرگ بینی: تسلیم نشدن در برابر حق از مهم ترین موانع انس با قرآن است؛ چنان که فرمود: «وکنتم عن آیاته تستکبرون» (انعام، ۹۳/۶). وقتی انسانی حاضر نباشد برتری پیامبر خدا را بپذیرد و مدعی است که همسنگ با اوست، حاضر نمی شود قرآن را بخواند، و به آن عمل کند.

۳. بی توجهی: بی تفاوتی و بی توجهی به قرآن، مانع دیگری در راه انس با این کتاب کریم، عزیز و شریف است؛ چنان که خود می فرماید: «فمن أظلم ممن كذب بآيات الله و صدف عنها سنجزی الذین یصدفون عن آیاتنا سوء العذاب بما كانوا یصدفون» (الانعام، ۱۵۷)؛ چه کسی ستمکارتر از آنها که آیات خدا را تکذیب کردند، و از آنها روی گردانیدند؟ اما به زودی کسانی را که از آیات ما روی گردانیدند به خاطر همین اعراض بی دلیل شان مجازات شدید خواهیم کرد.

«صدف» به معنای اعراض و روی گردانی شدید و بدون تفکر از چیزی است، و کسی که به قرآن توجهی نداشته باشد طبعاً از آن غافل خواهد ماند.

۴. ناشنوایی باطن: در این خصوص قرآن کریم می فرماید: «و اذا تتلی علیه آیاتنا ولی مستکبرا كأن لم یسمعها كأن فی اذنیه وقرا» (لقمان، ۷/۳۱)؛ هنگامی که آیات ما بر او خوانده می شود مستکبرانه روی برمی گرداند، گویی آن را نشنیده، گوشه‌هایش سنگین است.

اینان در برابر قرآن، خود را به کری می زنند، در حالی که به لغو و لهو - لهو الحدیث - روی خوش نشان می دهند، و طبیعی است گوشه‌ای که مملو از سخنان لغو و بیهوده است و نغمه‌های دل فریب در آن آشیانه کرده است، کی می تواند مسیر درک قرآن و کلام وحی قرار گیرد.

همچنین دیگر اعضا و جوارح اگر درست مورد استفاده قرار نگیرند محصولی مطلوب نخواهند داشت؛ چنان که خداوند فرمود: «لهم قلوب لا یفقهون بها ولهم أعین لا یبصرون بها ولهم آذان لا یسمعون بها أولئک کالأنعام بل هم أضل» (الاعراف، ۱۷۹/۷). وجود ابزار ادراکی و به کار نگرفتن آن، انسان را از مکانت و منزلت انسانی تنزل داده و او را در صف حیوانات، بلکه پایین تر از آنها قرار می دهد.

۵. روی آوری به دنیا: اصولاً رویکرد به دنیا یکی از عوامل روی گردانی از خدا، دین، قرآن و قیامت است. وقتی زندگی دنیا برای انسان اصل اساسی قرار گرفت و بدان دلخوش داشت، جایی برای رویکرد به قرآن باقی نمی ماند؛ چنان که خداوند می فرماید: «و فرحوا بالحياة الدنيا و ما الحياة الدنيا في الآخرة إلا متاع» (الرعد، ۱۳/۲۶)؛ این مردم به زندگانی و متاع دنیا دل شادند در صورتی که دنیا در قبال آخرت، متاع ناقابلی بیش نیست.

زمینه های علمی، عملی و معنوی انس با قرآن

انیس قرآن شدن و قرآن را مونس خود قرار دادن نیازمند زمینه های فکری، اخلاقی و عملی است، و تا زمینه های ایجابی تحقق نیابد و زمینه های سلبی از بین نرود، این انس با قرآن محقق نمی شود. قرآن خود زمینه های ایجابی درباره انس علمی، عملی و معنوی با قرآن، و تأثیر معارف قرآن و پذیرش آن را متذکر شده است که با توجه به قاعده تقابل، زمینه های سلبی نیز مشخص می شود، و آن گاه که انسان از زمینه های سلبی، تخلیه و به زمینه های ایجابی، تخلیه شود و در حقیقت اهلیت پیدا کند، انس حاصل خواهد شد.

۱. زمینه های مثبت انس با قرآن: زمینه های ایجابی برای ایجاد ارتباط و انس معنوی با

قرآن از منظر خود قرآن عبارتند از:

الف: شنیدن: «...لقوم یسمعون» (یونس، ۱۰/۶۷). شکی نیست که گام نخست در رسیدن به حقایق شنیدن کلام حق است و بدیهی است کسی که در معرض شنیدن آن قرار نگیرد، و یا آن را بشنوند ولی بدان بی اعتنا باشد، تأثیری نخواهد داشت، قرآن خود می فرماید: «وإذا تلی علیه آیاتنا ولی مستکبرا کأن لم یسمعها کأن فی أذنیه وقرا» (لقمان، ۳۱/۷)؛ و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می شود، مستکبرانه روی بر می تابد، گویا آن را نشنیده است؛ چنان که گویی در گوشه های سنگینی است. لذا از چنین انسانی هیچ تأثیری از آیات قرآن انتظار نمی رود.

ب: علم: «...لقوم یعلمون» (الانعام، ۶/۹۷). یکی از زمینه های انس با قرآن و شرایط تأثیر آن این است که آیات قرآن را از سوی خداوند سبحان بداند و خود را در معرض علم و معرفت آن قرار دهد، لذا قرآن نادیده گرفتن آیات تکوینی را نکوهش کرده و می فرماید: «وکأین من آية فی السموات والأرض یمرون علیها وهم عنها معرضون» (یوسف، ۱۲/۱۰۵)؛ و چه بسیار نشانه ای (از خدا) در آسمانها و زمین است که بر آنها می گذرند، در حالی که

آنان از آن روی گردانند.

ج: فکر: «...لقوم يتفكرون» (یونس، ۲۴/۱۰). در اندیشه سعادت بودن و دنبال خیر و صلاح رفتن یکی از مهم ترین زمینه های مثبت در انس با قرآن کریم است. اگر انسانی به فکر سعادت خود نباشد، در برخورد با بهترین ابزار نیز واکنشی نشان نخواهد داد. همانند بیماری که اگر در اندیشه درمان خود نباشد، هرگز دنبال بهره گیری از دارو و مداوای خود نمی رود.

د: ذکر: «...لقوم يذکرون» (الانعام، ۱۲۶/۶). پندگیری و پندپذیری یکی دیگر از زمینه های مثبت انس با قرآن است. اصولاً انسانی که حق جو و حقیقت خواه است از پند و موعظه خیر خواهان بهره می گیرد. قرآن به عنوان بهترین ناصح و موعظه از سوی آفریدگار انسان نازل شده است که می فرماید: «يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (یونس، ۱۰/۵۷)؛ ای مردم! به یقین از طرف پروردگارتان برای شما پندی و درمانی برای آنچه در سینه هاست؛ و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان آمده است. قطعاً انسانی که خیرخواه خود نباشد پند و اندرز دیگران در او تأثیری ندارد.

ه: عقل: «...لقوم يعقلون» (الرعد، ۴/۱۳). طبعاً اگر انسان در انتخاب اشخاص و اشیاء خرد خود را به کار اندازد و همه امور را با تمامی جوانبش در نظر بگیرد، بی شک به انتخاب احسن دست خواهد یازید، و اگر در مفاد آیات قرآن و پیام های آن به خوبی تعقل کند شیفته و مجذوب آن خواهد شد.

و: فهم: «...لقوم يفقهون» (الانعام، ۹۸/۶). فقه و فهم نیز از جمله زمینه های مثبت انس با قرآن است، زیرا شخص فهیم در آغاز راه با علم اجمالی به محتوای قرآن به سمت قرآن حرکت می کند؛ یعنی راه صحیح را بر می گزیند، و پس از آن خود را در عرض بهره مندی از قرآن قرار می دهد.

ز: شکر: «...لقوم يشكرون» (الاعراف، ۵۸/۷). قرآن به عنوان یکی از مهم ترین نعمت های معنوی الهی است و علم به قرآن نیز از بالاترین نعمت هاست، چنان که امام عسکری (ع) فرمود: «ما انعم الله على عبد بعد الايمان بالله افضل من العلم بكتاب الله و معرفة تأويله»^۴ خداوند سبحان به هیچ کس بعد از نعمت ایمان به خود، نعمتی بالاتر از دانش قرآن و معرفت تأویل آن نداده است. و طبق نص قرآنی شکرگزاری هر نعمت موجب فزونی آن خواهد شد که فرمود: «الئن شكرتم لأزيدنکم» (ابراهيم، ۶/۱۴).

ح : ایمان : «...لقوم یؤمنون» (یوسف، ۱۱۱/۱۲). تردیدی نیست که گرایش به قرآن و ایمان به آن نقش مهمی در انس به قرآن ایفا می کند، چرا که قبول این که قرآن از ناحیه ذات حضرت حق برای تأمین سعادت انسان آمده و برنامه هدایت وی را تنظیم کرده است، خود زمینه ای است برای همه نوع انس با قرآن از خدمات فیزیکی گرفته تا انس علمی، عملی و معنوی.

ط : عبادت : «...لقوم عابدین» (الانبیاء، ۲۱/۱۰۶). عبادت از زمینه های تکاملی انس با قرآن است، بدین معنی که شخص انیس هنگامی که به وسیله معرفت خودش خدای خویش را عبادت کرد و وظیفه عبودیت را به جای آورد، در طرف مقابل نیز خدای سبحان عهد ربوبیت را به جای آورده و بنده خود را با کلام، مونس می کند و طعم آن را به وی می چشاند. و به همین جهت هر کس درجه عبودیتش بالاتر باشد، مراتب انس وی با قرآن نیز بیشتر است.

ی : یقین : «...لقوم یوقنون» (الباقیة، ۴۵/۲۰). یقین به حقیقت نیز یکی از راه های وصول به آن است اگر کسی یقین داشته باشد که محبوب واقعی او، او را به انجام چیزی دعوت می کند، طبعاً به انجام آن می پردازد. بنابراین چنین کسی اوامر و نواهی قرآن را از جان و دل استقبال می کند و به آنها جامه عمل می پوشاند.

یادآوری چند نکته :

۱. این امور ده گانه گرچه ممکن است اشارت به تأثیر آیات تکوین الهی باشد، لیکن باید توجه داشت که آیات قرآن نیز در هر دو بعد تشریح و تکوین، جزء آیات الهی است، و لذا زمینه تأثیر پذیری و انس با قرآن نیز می باشد.
۲. این که عالمان، عاقلان، متفکران، فقیهان، شاکران، عابدان و باورداران را تخصیص به ذکر نموده است، هرگز به این معنی نیست که قرآن برای اینان نازل شده است، بلکه به معنی تأثیر پذیری اینان است، وگرنه قرآن در هدایت خود عام است و فراگیر.
۳. تعدد زمینه های تأثیر به معنای کفایت هر کدام از اینها نیست، بلکه از یک جهت همه اینها در رسیدن به انس با قرآن لازم است و به دیگر سخن مجموع این عوامل لازم است و از سوی دیگر با تحلیل دقیق این اوصاف تعددی وجود ندارد، بلکه سماع واقعی همان تفکر است و تفکر همان پندگیری و یا دست کم مراحل از یک حقیقت است، چنان که تذکر گام نخست، تفکر گام بعدی، تعقل گام سوم، ایمان گام چهارم و یقین گام پنجم است.

۴. انیس قرآن باید سعی کند طعم قرآن را بچشد تا بتواند در مدار انس معنوی، علمی و عملی قرآن قرار گیرد. امام علی (ع) می فرماید: «ان علم القرآن لیس یعلم ما هو الا من ذاق طعمه»؛ دانش قرآن بر کسی معلوم نمی شود مگر این که طعم آن را بچشد؛ که اگرچنین شد آثار آن نیز آشکار می شود. «فعلم بالعلم جهله»؛ جهلش زدوده می شود. «و بصر به عماء»؛ از کوری (بصیرت) رهایی می یابد. «و سمع به صممه»؛ از کری خلاص می شود. «و ادرک به مافات»؛ گذشته ها جبران می شود. و «و حی به بعد اذا مات»؛ زندگی دوباره می یابد.^۵

۵. با قرار گرفتن در مدار انس با قرآن، شنیدن ظاهری، و دانش و فکر، زمینه های انس با قرآن است. ذکر، عقل و فهم نماد حضور انیس در محضر قرآن است؛ ایمان و عبادت از آثار انس با قرآن به شمار می رود و یقین می تواند محصول انس با قرآن باشد.

۶. این امور چندگانه با مسأله انس با قرآن تعامل و ارتباط متقابل دارند، بدین معنی که وجود مراتب اولیه این مفاهیم ارزشی در انسان زمینه انس با قرآن می شود و انس با قرآن موجب تکامل این ارزش ها می گردد، و بدین گونه در مراحل بالاتر.

در کنار همه تلاشی که انسان برای انس گرفتن با قرآن باید انجام دهد، می بایست چشم امید به لطف پروردگار نیز داشته باشد، زیرا سبب ساز واقعی خداست و اوست که هرکه را بخواهد انیس قرآنش می کند، توفیق قرائتش را بدو می دهد، و قلبش را خزینه و ظرف الفاظ و معانی قرآن می کند.

۲. زمینه های منفی انس با قرآن: به طور طبیعی نبود زمینه های ایجابی خود زمینه ای سلبی در راه انس با قرآن است. بنابراین می توان گفت: دوری از شنیدن صوت قرآنی و گوش فرا ندادن به این نغمه آسمانی، جهل و نادانی، بی فکری و نابخردی، و سرکشی و گردنکشی و کفرورزی، همگی مانع اساسی در راه حصول انس با قرآن و عامل عمده در روی گردانی از امور قرآنی به شمار می آید.

البته عوامل دیگری نیز وجود دارد که باعث می شود انسان از قرآن دور شود و به جای الفت و انس با قرآن با آن بیگانه شود، به خصوص در گام های نخست انس با قرآن از جمله: شرکت در مجالس لغو و بیهوده، چنان که می فرماید: «ومن الناس من یشتري لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغير علم ویتخذها هزوا» (لقمان، ۶/۳۱)؛ بعضی از مردم سخنان بیهوده را می خرند تا مردم را از روی نادانی از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا

گیرند. مصداق بارز این امر در روزگار حاضر فیلم‌های مبتذل سینمایی، برنامه‌های زننده تلویزیونی، صحنه‌های مبتذل ماهواره‌ای و اینترنتی و مشغول کردن فکر و ذهن جوانان به بی‌تفاوتی و هوسرانی است.

عامل دیگر خود برترینی است. چنان که قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتِنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا» (لقمان، ۷/۳۱)؛ هنگامی که آیات ما بر آنها خوانده می‌شود مستکبران روی بر می‌گرداند گویی آن را نشنیده است.

دشمنی با خدا و آیات الهی یکی دیگر از موانع انس با قرآن است که می‌فرماید: «إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عِنِيدًا» (المدثر، ۱۶/۷۴)؛ او به آیات ما عناد می‌ورزید. دشمنی با خدا و آیات الهی مانع افزایش نعمت‌ها نیز می‌شود؛ هم‌چنان که رغبت و تمایل به آیات الهی موجب فزونی نعمت‌ها می‌شود.

نتیجه‌گیری

۱. اهم شرایط حصول انس با قرآن عبارت است از: شناخت عظمت قرآن، طهارت، ولایت، خشوع و توفیق الهی.
۲. مهم‌ترین موانع حصول انس با قرآن، آلودگی محیط درون، کبر و خود برترینی، بی‌توجهی، ناشنوایی باطن و روی آوری به دنیا است.
۳. زمینه‌های مثبت و ایجابی علمی، عملی و معنوی انس با قرآن، شنیدن کلام حق، شناخت آیات الهی، تفکر در آیات قرآن، پندپذیری، تعقل در مفاد آیات قرآن، تفقه و فهم آیات الهی، شکرگزاری و داشتن یقین است.
۴. از جمله زمینه‌های سلبی و منفی انس با قرآن گوش ندادن به آیات قرآن، جهل و نادانی، نابخردی، سرکشی و کفرورزی، شرکت در مجالس هوسرانی، خود برترینی و دشمنی با خدا و آیات الهی است.

۱. بحارالانوار، ۳۰۸/۲۳.

۴. بحارالانوار، ۲۱۷/۱.

۲. همان، ۲۷/۹۲.

۵. وسائل الشیعة، ۱۳۷/۱۸.

۳. مفاتیح الجنان، چاپ بینش/۱۹۳-۱۹۴.